

## مقایسه الگوی خلاقیت در اسلام با الگوهای مطرح در روان‌شناسی

جعفر علی فیروزجانی

دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی دانشگاه المصطفی، ایران، قم.

Firouzjahi@gmail.com

### چکیده

درک روشن‌تر از عناصر شکل‌دهنده خلاقیت و رابطه آنها با یکدیگر به والدین، مربیان و مدیران یاری می‌دهد تا هرچه بیشتر تفکر خلاق را رشد دهند و از موانع آن پیش‌گیری کنند. الگوهای موجود از خلاقیت مدعی تبیین خلاقیت هستند؛ با این حال، در معرفی برخی مؤلفه‌ها یا زیرعصرها و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر اختلاف دارند. هدف از این تحقیق معرفی و مقایسه الگوهای خلاقیت است که توسط آمابیل و اربن ارائه شده و همراه بررسی خلاقیت در اسلام و برداشت الگوی پیشنهادی از منابع اسلامی است. این مقاله با جمع‌آوری اطلاعات به روش توصیفی-تحلیلی و دلفی به این نتیجه می‌رسد که هر سه الگو با اختلاف‌هایی در جزئیات، دست‌کم بر پایه اطلاعات عمومی و تخصصی، تجربه، تفکر و انگیزش اتفاق دارند. الگوی برداشت‌شده از منابع اسلامی علاوه بر این موارد، تسهیل‌بستر شخصیتی و محیطی مبتنی بر ایمان و روحیه تلاش را در پدیدآوری و رشد خلاقیت مؤثر می‌داند.

کلیدواژگان: خلاقیت، مؤلفه‌های خلاقیت، الگوی اسلامی خلاقیت.

## مقدمه

امروزه جوامع بشری به علت مواجهه با تحلیل منابع طبیعی، فزونی تبادل اطلاعات و ارتباطات، وابستگی متقابل میان کشورها، سبقت برخی کشورها و سرعت فزاینده تغییرات، نیاز به پرورش خلاقیت<sup>۱</sup> را بیشتر احساس می‌کنند. در این زمان افراد تیزهوش، خلاق و صاحبان اندیشه‌های نو و خلاقانه، همانند گران‌بهارترین سرمایه‌ها، جایگاه بسیار ارزشمندی در جامعه خویش دارند به طوری که به دست آوردن نیروی خلاق می‌تواند موضوع زندگی و مرگ هر جامعه‌ای باشد (کفایت، ۱۳۷۳). به همین جهت قدرت خلاقیت ذهن، بالاتر از ضرورت برای هر اجتماعی شرط بقای جامعه و شاه‌کلید پیشرفت برای آنها است. برای دستیابی به این توانمندی آینده‌ساز، مدیران و مربیان نیاز دارند این توان را شناخته و سپس از خلاقیت جوانان خود برای بقا و حفظ ارزش‌ها و قدرت خود بهره‌گیرند.

تحقیقات متعدد خلاقیت را پدیده‌ای انعطاف‌پذیر و دارای قابلیت رشد معرفی کرده‌اند. تورنس<sup>۲</sup> با توجه به نتایج تحقیقات خود می‌گوید می‌توان با اهمیت دادن به عناصر بنیادین خلاقیت و آموزش دسته‌ای از اصول به کودکان، نسبت به زمانی که هیچ‌گونه آموزشی در این مورد ندیده باشند، ایده‌هایی با فراوانی و کیفیت بیشتر دریافت کرد (حسینی، ۱۳۷۸: ص ۷۲). خلاقیت علاوه بر اینکه قابلیت رشد دارد، چنانچه رها شده و یا با آن مبارزه شود استعداد زیادی برای افت و نزول دارد (شهرآری و سیدان و فرزاد، ۱۳۸۱).

خلاقیت واژه‌ای نو است و تا اندازه‌ای بیشتر در مجامع علمی به کار می‌رود. پژوهشگران با توجه به جنبه‌های مختلف خلاقیت و با توجه به رویکردی که داشته‌اند، خلاقیت را تعریف کرده‌اند. آمابیل<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) خلاقیت را با توجه به محصول این‌گونه تعریف می‌کند: «به اجرای یک ایده نو و مفید برای تأسیس یک شغل یا برنامه جدید به منظور جابه‌جایی یا خدمات متفاوت خلاقیت گفته می‌شود» (آمابیل، ۱۹۹۶: ص ۲۰). تحقیقات دیگر نبودن و ارزشمندی را لازمه هر خلاقیتی می‌دانند، مانند استین<sup>۴</sup> (۱۹۷۴) که خلاقیت را فرایندی می‌داند که نتیجه آن کار تازه‌ای است که توسط گروه با اهمیتی در یک زمان، به عنوان چیزی مفید و رضایت‌بخش مقبول واقع شود (آی‌گار، ۱۳۸۰: ص ۳۸۶). مایر بعد از تحلیل تعریف‌های موجود درباره خلاقیت به دو مشخصه

1. Creativity
2. Torrance , Ellis Paul
3. Amabile Teresa
4. Stein

تکرار شونده یعنی «نو و تازه بودن»<sup>۱</sup> و «اهمیت و سودمندی»<sup>۲</sup> در این تحقیقات رسید (استرنبرگ، ۱۹۹۹: ص ۴۵۰). در نتیجه خلاقیت عبارت است از «توانایی ارائه راه حل جدید و سودمند با نگاه متفاوت به مسئله. منظور از سودمندی مفید و باارزش بودن است، یعنی اینکه با واقعیت در ارتباط باشند» (افروز، ۱۳۷۸: ص ۹۸؛ بیابانگرد، ۱۳۸۴: ص ۲۹۳).

شکل‌گیری برخی مفاهیم روان‌شناختی مانند خلاقیت محصول کنارهم قرارگرفتن عناصر مختلفی است. طراحی الگو برای سازه خلاقیت، به دو منظور صورت می‌گیرد؛ نشان‌دادن عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن و همچنین، به منظور ترسیم نحوه تعامل این عوامل با یکدیگر؛ از این رو، «الگو» مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها را در اختیار می‌نهد که به واسطه آن والدین، مربیان و مدیران می‌توانند مسیر خود را نشانه‌گذاری، ارزیابی و مانع‌زدایی کنند (تقوی، ۱۳۸۷).

نگاه الگومحور به خلاقیت درک صحیحی از این مفهوم کاربردی می‌دهد. آزمون سنجش خلاقیت تورنس<sup>۳</sup> (TTCT)، با توجه به الگوی ارائه‌شده از آمایل طرح‌ریزی شده است (تورنس، ۱۹۷۹: ص ۲۸). در آموزش و تربیت چاره‌ای نیست جز اینکه طرح‌های آموزشی با توجه به سازه خلاقیت تدوین شوند؛ چراکه رویکردهای آموزشی خلاقیت‌افزا، یافتن و افزایش توان تکنیک‌های خلاقیت، الگوسازی خلاقیت‌محور، بهره‌گیری از توان فزاینده محیطی، جلوگیری از موانع محیطی و چگونگی مواجهه با عنصر انگیزه بر خلاقیت همگی مبتنی بر درکی کامل‌تر از الگوی خلاقیت است (وارد، ۲۰۰۷؛ فراری و همکاران، ۲۰۰۹)؛ علاوه‌براین، در مباحث مدیریتی نیز آموزش و شناخت مؤلفه‌های خلاقیت بر شناخت و تصمیم‌گیری مثبت مدیران تأثیر مستقیم دارد (تانوات، ۲۰۰۷). با این حال، بررسی این الگوها در مطالعات علمی کشور بسیار اندک بوده، تاکنون تحقیقی مستقل در ارائه الگوی مبتنی بر متون اسلامی در موضوع خلاقیت صورت نگرفته است. در نتیجه، این تحقیق درصدد پاسخ به این سؤالات است: مؤلفه‌های اساسی خلاقیت در اسلام کدام‌اند؟ ارتباط آنها با یکدیگر چگونه است؟ این الگو چه تفاوتی با الگوهای موجود دارد؟

### روش تحقیق

تحقیق حاضر با ملاحظه هدف تحقیق، از نوع تحقیقات بنیادی و نظری (درمقابل کاربردی) به حساب می‌آید (دلاور، ۱۳۸۰: ص ۴۸). از روش تحلیل محتوا برای بررسی، توصیف، دسته‌بندی،

1. Novelty, Novel, New, Original
2. Usfulness, Valuable, Appropriate, Adaptive
3. Torrance Tests of Creative Thinking

مقایسه، و تجزیه و تحلیل مفاهیم محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون دینی مرتبط با خلاقیت استفاده شده است (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ص ۷۷) از این روش به‌عنوان توصیفی-تحلیلی نیز یاد می‌شود که در آن اطلاعات لازم درباره موضوعات و ریزموضوعات پژوهش از طریق مطالعه و بررسی کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایر آثار مکتوب و نیز تأمل و کنکاش در داده‌های گردآمده و انجام برخی عملیات پژوهشی از قبیل شرح، تفسیر، تحلیل و ارائه الگو انجام می‌پذیرد (قراملکی، ۱۳۸۳: ص ۳۴). همچنین، برای کشف روایی محتوا از روش پیمایشی دلفی استفاده شد. «از روش دلفی هنگامی استفاده می‌شود که بخواهیم درباره اتفاق نظر یک جمع صاحب‌نظر درباره یک موضوع خاص به بررسی بپردازیم» (سرمد و دیگران، ۱۳۸۸: ص ۸۴).

برای گردآوری اطلاعات ابتدا به شیوه توصیفی-تحلیلی در منابع اسلامی به تشکیل پرونده علمی اقدام شد. به دلیل اهمیت و نبودن موضوع در بخش اسلامی و نیاز به تحلیل مبنایی این سازه که مبتنی بر کلیدواژگانی «حیل، فطن، خلق، بدع، حکم، حزم، عقل» بوده است، آیات و احادیث مرتبط با موضوع از منابع دست‌اول شیعی و یا با استفاده از نرم‌افزارهایی مانند جامع الاحادیث ۳/۵ و جامع التفاسیر ۳، شناسایی و استخراج شد. سپس با تجزیه و تحلیل مفاهیم و مضامین آنها و کشف روابط علی با تکیه بر تبیین‌های روان‌شناختی، به صورت جامع ملاحظه و خانواده قرآنی-حَدیثی درباره آن تشکیل شد؛ در مرحله بعد با استفاده از روش‌های تفسیری و اجتهادی مورد بررسی و پالایش مجدد قرار گرفته و در نتیجه سازه خلاقیت مبتنی بر منابع اسلامی ارائه شد.

سپس برداشت محقق از منابع اسلامی توسط کارشناسان اسلامی و تربیتی به روش دلفی به قضاوت گذاشته شد. روایی محتوایی مؤلفه‌های خلاقیت از نظر کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی ارزیابی شد. کارشناسان نظر خود را در زمینه میزان مطابقت هر گویه با مستند ذکر شده در مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم) اعلام کردند. نتایج نظرات کارشناسان میزان موافقت مستندات با مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد. میانگین نمرات تمامی کارشناسان بالاتر از ۳ بوده و میانگین کل نیز برابر با ۳/۶۵ انحراف استاندارد برای این داده‌ها ۰/۳۷۳ به دست آمده است؛ بنابراین، از نظر کارشناسان خبره دین و روان‌شناسی، مؤلفه‌های نظری خلاقیت اسلامی در حد «زیاد» و «خیلی زیاد» با آموزه‌های دینی مطابقت دارد؛ به عبارت دیگر، نتایج این پیمایش به شیوه دلفی (اظهار نظر افراد خیره) نشان می‌دهد که ۹۱ درصد مؤلفه‌ها مورد تأیید خبرگان دین و روان‌شناسی قرار گرفته است. ضریب تطابق کندال (۰/۵۱۸۹،  $p < 0.05$ ) با مقدار مجذور

کای (۰/۰۳۵,  $p=۷$ ,  $df=۴۴$ ,  $x^2=۴۵$ )، نشان‌دهنده توافقی مناسب و معنادار کارشناسان خبره در مورد موافقت مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها با مستندات اسلامی است و روایی بالای محتوای مؤلفه‌ها را می‌رساند.

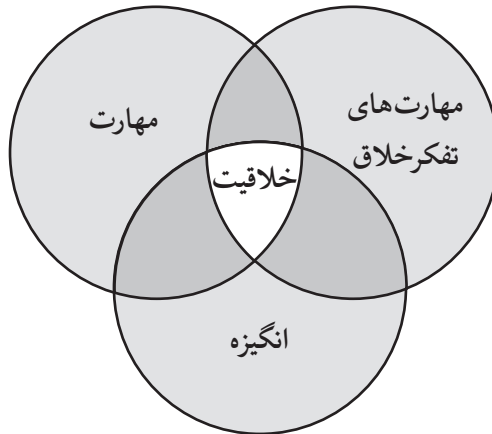
### یافته‌های تحقیق

معرفی عناصر شکل‌دهنده خلاقیت و الگوی ارتباطی آنها به جهت تأثیر آن بر دامنه وسیعی از تصمیم‌گیری‌های آموزشی و مدیریتی، پژوهش‌های متعددی را به‌سوی خود جلب کرده است مانند میر<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) آمابیل<sup>۲</sup> (۱۹۸۳ و ۱۹۹۶) استرنبرگ و لوبارت<sup>۳</sup> (۱۹۹۱-۱۹۹۵)، اربن<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) و سیکزنت‌میهایلی<sup>۵</sup> (۱۹۹۹). با وجود الگوهای مختلف، در این نوشتار، الگوی ارائه‌شده توسط آمابیل از دانشگاه هاروارد به‌دلیل بیشترین استناد و مبنای قرارگرفتن در برنامه‌ریزی و سنجش‌های آموزشی و مدیریتی و الگوی اربن از دانشگاه هانوفر به‌دلیل تخصصی بودن زیرمؤلفه‌ها معرفی می‌شوند. همچنین، براساس این دو الگو، آدامز<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) وارد<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) پولیتیس<sup>۸</sup> (۲۰۰۴) گینزبورگ و برونستین<sup>۹</sup> (۲۰۰۸) چانکو<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۱) و دیگر محققان، پژوهش‌های گسترده‌ای درباره خلاقیت ارائه کرده‌اند.

### الگوی خلاقیت آمابیل

به عقیده آمابیل، خلاقیت از سه مؤلفه تفکر خلاقانه، قلمرو مهارت‌ها و انگیزه درونی تشکیل شده است. به شرط جمع این سه مؤلفه، توانایی پیش‌بینی خلاقیت از فرد یا گروه بالا می‌رود (آمابیل، ۱۹۹۶: ص ۶).

1. Mayer
2. Amabile M Teresa
3. Sternberg and Lubart
4. Klaus K. Urban
5. Csikszentmihalyi
6. Karlyn Adams
7. Thomas B. Ward
8. John D. Politis
9. Golda S. Ginsburg and Phyllis Bronstein
10. Hsu-Chan Kuo



شکل ۱. الگوی مؤلفه‌ای آمابیل (۱۹۹۶)

## ۱. مهارت

مهارت<sup>۱</sup> در نظریه آمابیل مجموعه‌ای از راه حل‌های شناختی-عملیاتی است که فرد برای حل کردن یک مشکل در اختیار دارد. مهارت شامل دانش واقعی، تجربه تکنیکی و استعداد خاص در حوزه کاری موردنظر است. به‌عنوان مثال مهارت در متخصصان سطح بالای مهندسی شامل موارد زیر است:

استعداد بالای فرد در تصویرپردازی و اندیشه درباره مشکلات پیچیده مهندسی، توانایی تمرکز بر جنبه‌های مهم مسئله،

دانش واقعی او درباره مواد،

آشنایی او به کارهای گذشته و توسعه فعلی علوم مهندسی،

درنهایت، مهارت‌های تکنیکی است که فرد از طراحی، اجرا و تحقیقات به‌دست می‌آورد. این

مؤلفه از آمابیل مورد تأیید دیگران واقع شد و پس از آن در تحقیقات بعدی استفاده شد (همان:

ص ۴).

## ۲. انگیزه

تحقیقات آمابیل در موضوع انگیزه در خلاقیت و تقسیم انگیزه به درونی<sup>۱</sup> و بیرونی<sup>۲</sup> منشأ تحقیقات دیگر شد. با توجه به نتایج تحقیقات آمابیل، انگیزه درونی به مراتب خلاقیت بیشتری را نسبت به انگیزه بیرونی موجب می‌شود. انگیزه درونی از علاقه شدید و درگیر شدن فرد به کار از حس کنجکاوی، شور و شوق و یا حس شخصی به چالش کشیدن نشئت می‌گیرد اما انگیزه بیرونی برخلاف انگیزه درونی میل به رسیدن به اهداف برای خود کار نیست بلکه به منظور رسیدن به جایزه، پرکردن وقت یا برنده شدن در یک رقابت است. در آزمایش آمابیل فردی که برای دریافت پاداش وارد ماز می‌شد، روشن‌ترین و کوتاه‌ترین راه را برای رسیدن به جایزه طی می‌کرد اما کسی که دارای انگیزه درونی بود راه‌های مختلف و جایگزین را امتحان می‌کرد و از صرف زمان برای مسئله لذت می‌برد و در نتیجه به راه‌های جدیدتر و مناسب‌تری نسبت به راه اصلی می‌رسید (همان). تحقیقات آمابیل نشان داد جایی که تجربه و مهارت‌های تفکر خلاق فرد کم باشد انگیزه درونی کمک می‌کند تا نواقص را جبران کرده و به راهکاری ابتکاری برسد (آمابیل، ۱۹۹۷).

بیشترین تأثیر محیط در خلاقیت می‌تواند بر میزان انگیزه باشد. تغییرات موقت در محیط کار که همسو با انگیزه افراد نباشد، عاملی می‌شود که جوشش‌های اولیه انگیزشی افراد برای مدت زیادی خاموش شود (همان). به عنوان مثال مهندسی که با انگیزه درونی بالا عهده‌دار پروژه‌ای شده است، اگر با رفتار سرد مسئول آزمایشگاه مواجه شود انگیزه او افت می‌کند و پیشرفت کمتری خواهد داشت.

انگیزه بیرونی در نظر آمابیل خود به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. انگیزه‌های هم‌افزا<sup>۳</sup> و ۲. انگیزه‌های غیرهم‌افزا<sup>۴</sup>. انگیزه‌های هم‌افزا درونی را حمایت و تقویت می‌کنند (با دست‌کم با آن مقابله نمی‌کنند) در حالی که انگیزه‌های غیرهم‌افزا به انگیزه درونی ضربه می‌زنند (آدامز، ۲۰۰۵: ص ۶). به عنوان مثال تحقیقات شرکت‌های بازرگانی چندین نوع از انگیزه‌های هم‌افزا را مشخص کرده‌اند، مانند جایزه، تصدیق ایده‌های خلاقانه، به‌وضوح مشخص کردن اهداف کلی پروژه‌ها و تکرار بازخوردهای مفید در حین کار. این در صورتی است که انگیزه‌های غیرهم‌افزا مانند رقابت، مقایسه، مشوق‌های بی‌نظم و غیره معمولاً خصوصیت کنترل‌گری و بی‌عدالتی را در محیط القا می‌کنند.

1. Intrinsic Motive
2. Extrinsic Motive
3. synergistic motivations
4. non-synergistic motivations

### ۳. مهارت‌های تفکر خلاق

مهارت‌های تفکر خلاق موجب می‌شود فرد، دید جدیدی به مسئله بیابد و به‌منظور جست‌وجوی راه‌های شناختی جدید، از یک‌سری فنون و ابتکاراتی استفاده کند. این مهارت‌های شناختی کمک می‌کند که فرد از سبک‌های عملگرا استفاده کند؛ یعنی فرد را در پیگیری کار، مستمر و پرنرژی می‌کند (آماییل، ۱۹۹۷). روت برنستاین<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) با بیش از یک دهه تحقیقات بر تفاوت شیوه فکری افراد معمولی و بسیار خلاق مانند انیشتین، موزات، گودال و غیره<sup>۲</sup> به این نتیجه می‌رسد: «کسانی که خلاقیت بالایی دارند هنگامی که با سؤالی مواجه می‌شوند، برخلاف افراد معمولی، از مجموعه‌ای از مهارت‌ها و ابزارهای فکری استفاده می‌کنند. ایده‌های آنها به طرز مرموز<sup>۳</sup> جرقه<sup>۴</sup> نمی‌زند، بلکه آنها از یک‌سری مهارت‌های فکری استفاده می‌کنند که قابل یادگیری هستند. مهارت‌های ساده‌ای مانند مشاهده، خلاصه‌کردن، شناخت الگو، شکل دادن به الگو، قیاس، تصور و غیره» (اسپونر، ۲۰۰۴).

### الگوی مؤلفه‌ای اربن

اربن خلاقیت را فرایندی پیشرفته‌تر از آن می‌داند که الگویی ساده بتواند آن را شرح دهد؛ از این رو، ساختاری مرکب از اجزای در حال تعامل بین شناخت و شخصیت فرد خلاق ارائه می‌دهد که همین حالت تعاملی نیز بین محیط و فرد (شناخت و شخصیت او) وجود دارد. شناخت و شخصیت هرکدام سه نماینده در طرح دارند؛ سه عنصری که نماینده شناخت هستند از این قرارند:

- تفکر و رفتار واگرا،
  - دانش و تفکر عمومی،
  - دانش و مهارت تخصصی.
- و سه عنصر دیگری که نماینده شخصیت می‌شوند عبارت‌اند از:
- تمرکز و تعهد و وظیفه،
  - انگیزش،
  - آزادی و تحمل ابهام.

---

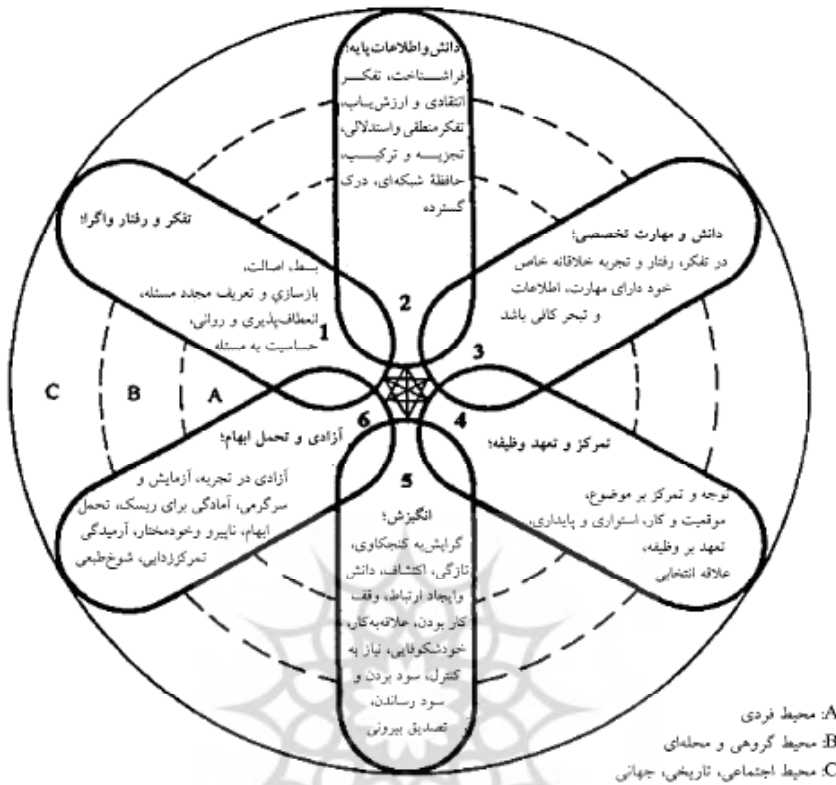
1. Root - Bernstein.  
 2. Albert Einstein, Jane Goodall, Amadeus Mozart, and H.G. Wells.  
 3. mysteriously.  
 4. spark.



اربن مجموعه این شش عنصر و زیرعنصرهای آنها را برای پرورش تفکر خلاق ضروری می‌داند، همان‌گونه که در شکل زیر نشان داده شده است از مجموع نه اکتساب یکی یا برخی از آنها در پدیده خلاقیت بروز می‌کند؛ از این رو، اربن خلاقیت را نیازمند یک سیستم پویا<sup>۱</sup> و تابعی<sup>۲</sup> از عملکرد دیگر عوامل می‌داند که در صورت تبادل متعادل عناصر ضروری، فرد مستعد خلاقیت است (اربن، ۲۰۰۳: ص ۱۷۲). میزان شرکت زیرعناصر و تفاوت آنها و نحوه جمع شدن آنها نیز بر چگونگی فرایند خلاقیت مؤثر است. در هر سطح خاص، مرحله خاص و موقعیت خاص هر زیرعنصری عملکرد متناسب با نقش خود را دارد که این نقش به زیرعنصر مرتبط دیگر وابسته است. به عنوان مثال بهتر است کسی که در موضوعی تفکر عمیقی دارد سپس به فکر استراحت می‌دهد و آن را به ناهشیار می‌سپارد بین این دو، موضوع دیگری واسطه نیاید و در زمان استراحت هم فقط استراحت داشته باشد تا اینکه زنجیره فرایند تفکر خلاق پاره نشود. به همین جهت طراح این مدل آن را «سیستم عملکرد مؤلفه‌ای خلاقیت»<sup>۳</sup> معرفی می‌کند (اربن، ۲۰۱۱). نتیجه چنین نگاهی به خلاقیت، تنها تلاش برای رسیدن به تصمیمی بهتر یا ارائه ایده‌های فراوان در کمترین زمان نخواهد شد، بلکه رشد حلزونی<sup>۴</sup> (دایره‌وار) متناسب تمامی شخصیت مربی و متربی یک مبنای تربیتی برای خلاقیت خواهد بود (اربن، ۲۰۰۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

1. Dynamic System
2. functional system
3. Componential system of creativity functional
4. Spiral development



شکل ۲. مدل مؤلفه‌ای اربن ۲۰۰۳

## ۱. تفکر و رفتار واگرا

از زمانی که گیلفورد در دهه پنجاه قرن بیستم تفکر واگرا را معرفی کرد، تحقیقات و مقالات زیادی درباره آن نوشته شده است. برخی با نگاه محدود تفکر خلاق را همان تفکر واگرا دانسته‌اند اما درحقیقت، این نوع تفکر مهارتی در کنار دیگر مهارت‌های خلاقیت است که می‌تواند تولید نو و خلاقانه را به دنبال داشته باشد (اربن، ۲۰۱۱). اساس تفکر واگرا مبتنی بر حساسیت به مسئله، درک قوی، دانش گسترده، پردازش سریع اطلاعات، ذخیره انعطاف‌پذیر و شبکه‌ای اطلاعات است. اینها پیش‌فرض‌هایی هستند که تفکر مبتنی بر تداعی، سیالی و انعطاف‌پذیری یا همان تفکر واگرا از آنها کمک می‌گیرد (اربن، ۲۰۰۳: ص ۱۷۴).

حساسیت به مسئله،<sup>۱</sup> یا همان توانمندی در یافتن مسئله، پیش فرض و نقطه شروع حساسی برای تفکر خلاق است. واقعیتی که در یک محرک وجود دارد تفکر انسان‌ها را متمایز می‌کند، یکی را برمی‌انگیزاند اما دیگری که تفکر واگرا ندارد را خیر. این توانمندی به‌طور طبیعی و کم‌وبیش در انسان‌ها وجود دارد و از انگیزه اکتشاف و پرسش نشئت می‌گیرد و قابلیت رشد یا افول دارد (همان).

## ۲. تفکر و اطلاعات عمومی<sup>۲</sup>

فرایند خلاقیت نیازمند بازآفرینی، بازسازی و تعریف جدید از مشکل است که این موارد ضرورت زیرعنصرهای تجزیه و ارزش‌یابی<sup>۳</sup> را روشن می‌کند. یعنی فاز اول خلاقیت نیازمند جمع‌بندی اطلاعات گسترده موجود در ذهن است و این به کمک تجزیه، استدلال و تفکر منطقی<sup>۴</sup> حاصل می‌شود و در فاز دوم، همین اطلاعات با یکدیگر و با تفکری انتقادی و به منظور ارزشیابی<sup>۵</sup> سنجیده می‌شوند که در این زمان، باروری درک دقیق و بسط<sup>۶</sup> ایده خلاقانه روی می‌دهد. به عقیده اربن، اینکه برخی برای خلاقیت آستانه هوش معرفی کرده‌اند در واقع، ترکیبی از دو مؤلفه تفکر واگرا و دامنه اطلاعات عمومی وسیع فرد است که می‌تواند جایگزین آن اندازه از آستانه هوشی شود (اربن، ۲۰۰۱: ص ۴۹۰).

## ۳. مهارت و دانش تخصصی<sup>۷</sup>

تحقیقات زیادی مانند ویزبرگ<sup>۸</sup> (۱۹۹۹) براون<sup>۹</sup> (۱۹۸۹) هایس<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۹) نشان می‌دهند که دریافت‌های خلاقانه در صورتی که ارتباطی با تخصص فرد نداشته باشند ناقص یا اشتباه خواهند بود، دریافت‌های خلاقانه بستگی به در دسترس بودن و نزدیکی ایده‌ها به پشتوانه خود دارند و این نیازمند یکپارچگی دانش و تجربه در حوزه خاص تکلیف مربوط به آن است (اربن، ۲۰۰۳: ص ۱۷۵).

1. Problem sensitivity
2. General Knowledge and Thinking Base
3. analyzing and evaluating
4. Analyzing, reasoning, and logical thinking
5. critical and evaluative thinking
6. elaboration
7. Specific Knowledge Base and Specific Skills
8. Weisberg
9. Brown
10. Hayes

#### ۴. تمرکز بر وظیفه و تعهد به آن<sup>۱</sup>

در مسیر رشد و شکوفایی خلاقیت، ضرورت دارد فرد خلاق به منظور دستیابی به اطلاعات و تجربیات عمومی و تخصصی بر نظم و پایداری<sup>۲</sup> بر هدف متعهد باشد. همچنین، برای حل مشکلات یک مسئله و ایجاد ارتباط بین زوایای مختلف یک موضوع نیازمند تمرکز توجه<sup>۳</sup> برای مدت طولانی و با شدت‌های مختلف است؛ علاوه بر این، خصلت تمرکز و انتخاب‌گری<sup>۴</sup> برای شیوه جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و برنامه‌ریزی جزئیات اطلاعات، ضروری می‌نماید (اربن، ۲۰۰۱: ص ۴۹۰).

#### ۵. انگیزه

علايق فردی انسان‌ها را مانند آهنربا به سمت خود می‌کشاند و این خصیصه ایشان را از یکدیگر متمایز می‌کند. اما گرایش به اکتشاف و دانستن و همچنین، نیاز به تازگی و کنجکاوی<sup>۵</sup> به‌وسیله والدین و محیط آموزشی در فرد تقویت می‌شود. اربن (به نقل از هایس، ۱۹۸۹) می‌گوید: تفاوت شناختی کاملی بین افراد خلاق با غیر خلاق نیست مگر اینکه افراد خلاق چون انگیزه بالایی دارند تفاوت‌های شناختی را نشان می‌دهند. به‌عنوان مثال، شدت علاقه بین آن دو در کسب‌کردن اطلاعات و مهارت‌های لازم موجب خلاق‌شدن یکی و گرایش به خلاقیت کمتر در دیگری می‌شود (اربن، ۲۰۱۱).

#### ۶. گشودگی به تجربیات جدید و تحمل ابهام<sup>۶</sup>

قدرت مقاومت در برابر فشار مجهولات و عدم حضور پاسخ مناسب، برخی را از پیگیری مسئله باز می‌دارد. در این هنگام احتمال دارد این افراد دو خطا مرتکب شوند: الف) به‌صورت غیراستاندارد و با صرف زمان زیاد خواستار رفع مشکل هستند و ب) با اندک تلاش خود را عاجز می‌بینند و دست از کار می‌کشند اما افراد خلاق در صورت نیافتن جواب با راهکارهای خلاقانه مسئله را از ذهن جدا کرده و برای مدتی آن را به ناهشیار می‌سپارند و با برگشت زود هنگام و پرنرزی دوباره به آن مشغول می‌شوند (همان).

1. Focusing and Task Commitment
2. persistence
3. Focus of attention
4. Selectivity
5. The need for novelty, curiosity, drive for exploration and knowledge
6. Openness and Tolerance of Ambiguity

## نکته. شرایط محیطی

به عقیده اربن فرایند خلاقیت و سطح آن برای رسیدن به محصول خلاقانه تنها به مؤلفه‌هایی که پیش‌تر توضیح آنها گذشت وابسته نیست. بلکه برای رسیدن به این نتیجه و کیفیت آن باید گشتالت خلاقیت یعنی تمامی اجزا و شرایط خلاقیت فراهم شود. موفقیت و مقبولیت در یک محصول خلاقانه به این موضوع بستگی دارد که از یک سو، این کار دارای فصاحت، نوآوری و قدرت سرایت باشد و از دیگر سو، توسط خود فرد و افراد مهم پذیرفته شده و ارزش‌گذاری مناسبی برای آن صورت بگیرد. پویایی و تحرک فرد خلاق وابستگی شدیدی به تربیت، ترویج، تشویق و هیجان‌بخشی و یا دلسردکنندگی و ایجاد مانع از طرف محیط دارد. اربن معتقد است با در نظر گرفتن شیب تند رشد خلاقیت در کودکی، ضرورت دارد که «سیستم عملکرد مؤلفه‌ای خلاقیت» در سه محیط مختلف اما مرتبط به هم در این مدل لحاظ شوند، این سه محیط از این قرارند:

- A: محیط فردی و خصوصی: که مستقیماً متأثر از محیط اجتماعی، جسمانی و روانی است.
- B: محیط گروهی و محله‌ای: که متأثر از خانواده، همسالان، مدرسه، محیط آموزشی و محیط کوچک است.
- C: محیط اجتماعی، تاریخی، جهانی: شرایط سیاسی، فرهنگی و علمی در کلان‌محیط بر فرد مؤثر است (اربن، ۱۹۹۱).

## معرفی الگوی پنج مؤلفه‌ای خلاقیت از اسلام

خلاقیت به توانایی ارائه فکر و محصول نو که مفید و باارزش تعریف شده است و دو دانشمند مذکور دست‌کم بر سه مؤلفه تفکر خلاق، انگیزه و اطلاعات تخصصی و عمومی، برای خلاقیت توافق داشتند؛ از این رو، طبق این تعریف باید در ابتدا بررسی شود که آیا در متون اسلامی این مفهوم یافت می‌شود؟ اگر آری مؤلفه‌های رشد آن کدام‌اند؟

اگر با تعریف سابق از خلاقیت متون اسلامی بررسی شود، آنچه از خلاقیت و مؤلفه‌های آن منظور است در برخی استعمالات ریشه‌هایی مانند: «حول، فطن، حزم، عقل، علم، کیس، بصر، حکم و...» به دست می‌آید. در ادامه خلاصه‌ای از مستندات مطرح می‌شوند.

واژه خلاقیت از ریشه «خَلَقَ» استخراج شده است و معنای لغوی آن در زبان فارسی به معنای قدرت آفریدن و به وجود آوردن و یا به نیرویی که موجب خلق آثار بدیع می‌شود تعبیر شده است (معین، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۱۴۳۳ و دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۶، ص ۸۶۹۶) و در زبان عرب، به گفته ابن منظور در لسان العرب دو ماده اصلی دارد: ۱. آفرینش چیزی بدون الگو و ۲. تقدیر (ابن منظور،

۱۴۱۴ ق: ج ۱۰، ص ۸۵). تقدیر در بحث «خلق»، این چنین معنی می‌شود: سنجش و اندازه‌گیری چیزی برای ساختن چیزی دیگر (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۸، ص ۱۸۸). مشتقات ریشه «خلق» در متون دینی درباره خلقت خداوند به کار گرفته شده‌اند و این واژه برای خلاقیت انسان به معنایی که گذشت به کار نرفته است. خلقت خداوند با انسان غیر از تعداد، تنوع، بزرگی و زیبایی تفاوت دیگری دارد، و آن اینکه خلاقیت خداوند آفرینشی مستقل از الگو و بدون کمک از هر وجودی است. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: ستایش مخصوص خدایی است که با قدرت و حکمت خویش، اشیا را از چیزی نیافرید تا اختراع صادق نیاید و نه به علت چیزی توجه کرد، تا در نتیجه، ابداعی در کار نباشد (ری شهری، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۲۵۴). البته خداوند توصیه می‌کند مؤمنین خود را به ویژگی‌های نام‌های خداوند نهادینه کنند: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» (بقره: ۱۳۸). اطلاق این امر پسندیده در برگیرنده مزین شدن به صفت خالقیت است و خالقیت در انسان، همان خلاقیت و ایجاد امور نو و مفید، البته در توان انسان است.

حیله و مشتقات آن واژه دیگری است که رساننده معنای خلاقیت هستند. این واژه مشتق از «حول» است و بنا بر گفته ابن فارس در مقایس اللغه، یک اصل دارد و آن به معنای «تحرك و دگرگونی در اطراف چیزی است». حیله و مشتقات آن نیز از این ریشه گرفته می‌شوند؛ چراکه افکار فرد اطراف چیزی دور می‌زنند تا آن را درک کند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۳۱۷). در متون اسلامی مشتقات این ریشه در معنای «چاره‌جویی با سبکی جدید و همراه با ذکاوت» به کار رفته است. امام سجاد علیه السلام از خداوند برای مسلمین قدرت خلاقیت و چاره‌جویی را طلب می‌کند و برای دشمنان اسلام ناتوانی در خلاقیت را دعا می‌کند. «اللَّهُمَّ وَ قُوِّ بِذَلِكَ مِحَالِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ ... وَأَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِحْتِيَالِ» (دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه)، یا امیرالمؤمنین علیه السلام حیله را در کاربردهای مثبت و منفی وارد دانسته و این‌گونه معرفی می‌کند: «امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر مردم حیله و نیرنگ را زیرکی می‌پندارند، و افراد جاهل آنان را زیرک و خلاق می‌خوانند... کسی که مسائل را بسیار می‌گرداند و بسیار تغییر می‌دهد، هم پیش‌روی حیله و هم پشت آن را می‌بیند. ولی امر و نهی پروردگار مانع او است و با اینکه قدرت انجام آن را دارد آن را به روشنی رها می‌کند. اما آن فردی که از مخالفت با دین خدا پروا ندارد، از فرصت‌ها برای نیرنگ بازی استفاده می‌کند»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۰، ص ۳۱۹). در این کلام

۱. «لَقَدْ أَصْبَحْنَا فِي زَمَانٍ قَدِ اتَّخَذَ أَكْثَرُ أَهْلِهِ الْغَدَرَ كَيْسًا وَ نَسَبَهُمْ أَهْلُ الْجَهْلِ فِيهِ إِلَى حُسْنِ الْحَيْلَةِ مَا لَهُمْ قَاتِلُهُمُ اللَّهُ قَدْ بَرَى الْحَوْلَ الْقَلْبُ وَجَهَ الْحَيْلَةَ وَ دُونَهَا مَانِعٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ فَيَدْعُهَا زَائِي عَيْنٍ بَعْدَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهَا وَ يَنْتَهَزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ».

حضرت برای نشان‌دادن آشنا بودن خود به تمامی راهکارهای موجود و توجه‌دادن به معنای «حیله» از «الْحَوْلُ الْقَلْبُ» استفاده کرده‌اند و همچنان‌که علامه مجلسی، آیت‌الله خویی و دیگران معنا کرده‌اند حضرت می‌رساند که با دگرگونی و تغییر زیاد مسائل، به تمامی راه حل‌ها اشراف دارد و علت عدم اجرای آنها مانع دیگری است (خویی، ۱۴۰۰ ق: ج ۴، ص ۱۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۳۴، ص ۱۰۳)؛ علاوه بر این، حیله در برگیرنده مؤلفه‌های خلاقیت - که در ادامه می‌آید - نیز است. چراکه خلاقیت به واسطه اطلاعات عمومی و تخصصی به دست می‌آید. همچنان‌که علی‌علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ جَهَلَ وَجُوهَ الْأَرَءَاءِ أُعِيَتْهُ الْحَيَلُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۵۸۴). همچنین، «حیله ثمره تفکر است» (همان: ص ۳۲). اگرچه خلاقیت و چاره‌جویی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، با در نظر گرفتن معنای لغوی این واژه در زمان و کاربردی که اهل بیت علیهم السلام لحاظ داشته‌اند این واژه به معنای خلاقیت نزدیک‌تر است.

کلیدواژه بعدی که در موارد زیادی همراه با حیله نیز آمده، «فَطْنٌ» است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۳، ص ۸۲). این ریشه در متون اسلامی و ادبیات عرب به دو معنا آمده است: معنای اول دلالت بر توانایی فهم و درک عمومی دارد و معنای دوم زیرکی همراه با تیزبینی را می‌رساند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۴، ص ۵۱۰). در کلام معصومین این واژه در معنایی نزدیک به خلاقیت یا تیزهوشی بسیار به کار آمده است و رساننده زیرکی، سرعت، حل مسئله و سودمندی این نوع تفکر است. مانند این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرماید: «فَلَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تُنَالُ بِفِطْنَةٍ وَ فَضْلٍ وَ عَقْلِ نَلَتْ أَعْلَى الْمَرَاتِبِ وَ لَكِنَّمَا الْأَرْزَاقُ حَظٌّ وَ قِسْمَةٌ، بِفَضْلِ مَلِكٍ لَا بِحَيَلَةٍ طَالِبٍ:» «اگر رسیدن به دنیا با زیرکی، برتری و عقل بود من به بالاترین مراتب آن می‌رسیدم اما روزی بهره‌ای است تقسیم شده، که به چاره‌جویی طالب دنیا نیست بلکه به فضل مالک است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۳۴، ص ۳۹۷). در این روایت سه واژه «فطن» با «فضل» و «عقل» جدا شدند و نشان‌دهنده تفاوت دقیق معنایی این سه ریشه است. اما در انتهای روایت از فطنه استفاده نشده و مرادف آن یعنی حیله آمده و رساننده اشتراک معنایی این دو واژه است.

کلیدواژه بعدی «حکم» با معنای اصلی «منع» است که مصداق آن در قضاوت منع از ظلم، در علم منع از جهل و در رفتار از منع عمل زشت معنا می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ص ۹۱). در اصطلاح علاوه بر همین معنا «حکم» به معنای شناخت بهترین اشیا با بیشترین دانش آمده و همچنین، به کسی که مصنوعات پیچیده‌ای دارد و در کارش سستی نیست حکیم گفته می‌شود، به کلام نافع که از جهل ممانعت می‌کند نیز حکمت گفته می‌شود (ابن اثیر، ۱۳۶۷ ق: ج ۱، ص ۴۱۹). در جمع‌بندی تعاریف اصطلاحی حکمت، مفسران کمتر معنای اصلی را در نظر گرفته‌اند و برخی

به مصادیق و مبادی حکمت به عنوان مفهوم حکمت بسنده کرده‌اند. باین حال، «حکم» استعمال گسترده‌ای در متون دینی دارد که سه معنی آن بروز بیشتری دارد:<sup>۱</sup>

۱. قضاوت: «فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا» (نساء: ۳۵)،
۲. استوار، محکم و نفوذناپذیر: «وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» (یس: ۲)
۳. علم و دانش خاص: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (البقره: ۲۶۹).

در نهایت، با توجه به معنای اصطلاحی «حکم» در متون اسلامی به دست می‌آید که «حکمت» برداشتی دقیق، اشرافی، جدی و واقعی است که به کمک عقل و توان بالای علمی به دست می‌آید و محصول آن در جهت سعادت و تکامل انسان به کار می‌آید. در نتیجه، جایی که نتیجه تفکر تولید محصول نو برای رشد و رفاه مادی (نه انسانی) باشد، حکمت گفته نمی‌شود. کلیدواژه «عقل» در منابع اسلامی به صورت خلاصه در معانی زیر آمده است (ری‌شهری و همکاران، ۱۳۷۸):

۱. نیرویی که با آن خوبی‌ها، بدی‌ها، تفاوت‌ها و زمینه‌های آن شناخته می‌شود در مقابل دیوانگی قرار دارد و به این معنا عقل معیار تکلیف می‌شود.
۲. معنای دوم عقل، تعقل، تفکر و اندیشیدن است و در برابر جهل و سفاهت قرار می‌گیرد.
۳. معنای سوم عقل ملکه‌ای است که به انتخاب خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها فرامی‌خواند و به جوهر و حقیقت عقل اشاره دارد که روح آن، درک خیر انسان، خداجویی و خداپرستی است.
۴. معنای دیگر عقل با علم یکی شده و شامل مواد اطلاعاتی و دانش است که افراد آن را کسب می‌کنند.

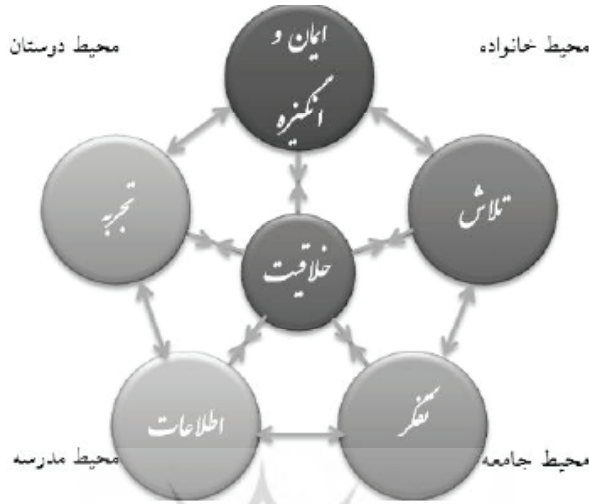
در مبحث الگوهای خلاقیت اشاره می‌شود که از نظر صاحب‌نظران خلاقیت، از لوازم خلاقیت و محصول خلاقانه، اندیشه درست همراه با اندوخته علمی و عملی مناسب است. در نتیجه، اگرچه عقل، علم، فکر و مشتقات آنها در متون اسلامی، اشاره مستقیم به خلاقیت ندارند، رشد و تقویت عقل و علم برای رسیدن به خلاقیت ضروری است و «عقل» در متون دینی با خلاقیت هم‌ردیف نیست.

با توجه به کلیدواژگانی مطرح شده و واژگان کلیدی دیگر، در این تحقیق پنج مؤلفه بنیادین از خلاقیت از متون اسلامی استخراج شده است. حفظ و رشد این مؤلفه‌ها و خلاقیت از نگاه متون دینی نیازمند محیط غنی و مناسب هستند که توضیح آن در این مقاله نمی‌گنجد. این پنج مؤلفه

۱. رضا برنجکار، مفهوم حکمت در قرآن و حدیث، سایت دانشگاه علوم حدیث.



مطابق شکل ۳ با جمع اشتراکی خود خلاقیت را شکل می‌دهند.



شکل ۳. الگوی خلاقیت در اسلام

### ۱. کمیت و کیفیت تفکر

شواهد زیادی از قرآن به شکل تشویق یا تنبیه، برانگیزاننده تفکر هستند. آیات و روایات دعوت‌کننده به تفکر دو قسم هستند؛ گروهی به تفکر در راستای خداشناسی، خداگری و علوم دینی تشویق می‌کنند و گروهی نیز تفکر در علوم و طبیعت را به‌طور مطلق تشویق و تأکید می‌کنند و بحث این مقاله در قسم دوم است.

علی‌علیه‌السلام اهمیت تفکر را بالاتر از حفظ و تعلیم دانش معرفی می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۵۶)؛ چراکه اندیشیدن در اندوخته‌های علمی موجب بازآرایی، تنظیم و بسط اطلاعات و درنهایت، حل خلاقانه مسئله می‌شود. مستندات زیادی دلالت دارند بر اینکه تفکر به همراه راهکارهای تقویت کیفی آن منجر به ایده‌های جدید (خلاقیت) می‌شوند. مانند:

• «مَنْ أَكْثَرَ الْفِكْرِ فِيمَا تَعَلَّمَ اتَّقَنَ عِلْمَهُ وَ تَفَهَّمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ»: «کسی که در آموخته‌های

خود زیاد بیندیشد دانش او استوار شده و آنچه را که نمی‌فهمیده می‌فهمد (به چیزهای

۱. مانند (بقره: ۲۵۹) (غاشیه: ۱۷ تا ۲۰) (مؤمنون: ۶۸) (اعراف: ۸۴) (انعام: ۱۱) (عنکبوت، ۲۰) (حج: ۴۶) (بقره: ۲۱۹، ۲۶۶) (انعام: ۵۰) (نحل: ۱۱، ۴۴، ۶۹) (روم: ۸، ۲۱) (نساء: ۸۲) (محمد: ۲۴) (بقره: ۴۴، ۷۳، ۷۶، ۱۶۴، ۲۴۲) (اعراف: ۱۵۱، ۱۶۹) (انفال: ۲۲) (یونس: ۱۶، ۱۰۰) (یوسف: ۲، ۱۰۹) و غیره.

- جدید دست می‌یابد)» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ص ۵۷).
- «بِالْفِكْرِ تَنْجَلِي غِيَاهِبُ الْأُمُور»: «با تفکر تاریکی کارها روشن می‌شود» (همان: ص ۱۸۹).
  - «مَنْ أَعْمَلَ فِكْرَهُ أَصَابَ جَوَابَهُ»: «کسی که فکر خود را به کار گیرد به جوابش خواهد رسید» (همان: ص ۶۱۰).
  - «صَوَابُ الْأَوْرَاءِ بِإِجَالَةِ الْأَفْكَارِ»: «ایده‌های درست با گردش و جولان افکار به دست می‌آید» (همان: ص ۴۱۹).
  - «رَأْسُ الْأَشْيِئِصَارِ الْفِكْرَةُ»: «اساس بینش جدید تفکر است» (همان: ص ۵۷).
- افزایش کمیت تفکر باید به افزایش کمیت ایده‌ها منجر شود تا در نتیجه، به تصمیم‌گیری آسان‌تر و خلاق‌تر نزدیک شود. اسلام می‌گوید که فرد باید در مقام تصمیم‌گیری تعداد ایده‌های بیشتری داشته باشد تا بتواند از بین آنها بهترین را برگزیند یا با هم‌اندیشی بتواند مسیر درست را بازشناسد مانند: «صاحبان خرد و هدایت‌یافتگان آنهایی هستند که نظرها را می‌شنوند و بهترین آنها را برمی‌گزینند» (زمر: ۱۷) و کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «نظرات دیگران را جمع‌آوری کنید و بهترین و کم‌ضررترین آنها را انتخاب کنید» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ص ۴۶)، و یا راهکارهای دیگر را برگزیند: «کسی که ایده‌های اندک و ضعیف داشته باشد و همچنین برای اجرای آنها اراده‌ی کافی از خود نشان ندهد به جایگاه شایسته‌ی خود نخواهد رسید» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۳۶۳: ص ۳۱۸).
- علاوه‌بر تشویق به بالا بردن کمیت تفکر و ایده، برای بالا بردن کیفیت اندیشه نیز در متون اسلامی راهکارهایی برداشت می‌شود، مانند هم‌اندیشی، تخیل و نگاه به جوانب، متناظریابی، تحلیل اطلاعات، الگوبرداری از طبیعت، پرسش‌های هدایت‌شده و مانند اینها، در کنار این راهکارها بر شناخت الگوهای غلط فکری و موانع تفکر خلاق نیز در متون اسلامی تأکید می‌شود. توضیح این راهکارها و موانع نیاز به نوشتار تفصیلی دیگری دارد (علی‌گلی و ساجدی، ۱۳۹۴).

## ۲. اطلاعات عمومی

- اطلاعات گسترده مسیر تفکر را روشن می‌کند. در متون دینی خلاقیت با اندوزش میزان وافر از دانش حاصل می‌شود. از نگاه این منابع، انسان برای آفرینشگری نیاز به منبع غنی از اطلاعات دارد. مستندات زیادی نشان می‌دهند که دانش زیاد، اندیشه را رشد می‌دهد و آن را بارور می‌کنند، مانند:
- «الْعِلْمُ يُنْبِئُ الْفِكْرَ»: «دانش فکر را رشد می‌دهد»<sup>۱</sup> (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۴۲).

۱. «نجد» به معنای رشد و ارتفاع است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱۲، ص ۳۵).

- «الْعُقْلُ غَرِيْرَةٌ تَزِيْدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ»: «اندیشیدن غریزه‌ای است که با علم و تجربه زیاد می‌شود» (همان: ص ۹۱).
- «الْعِلْمُ يُنْجِيْكَ الْجَهْلُ يُرْدِيْكَ»: «علم موجب نجات توست و بی‌سوادی تو را نابود می‌سازد» (همان: ص ۴۱).
- «كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعُقْلَ»: تأمل زیاد در دانش، راه‌های اندیشیدن را برای انسان می‌گشاید (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۵۹).

اطلاعات عمومی و وسیع پیوندهای ذهنی بیشتری ایجاد کرده و موجب می‌شود تا ایده‌های جدید تراوش کنند؛ به عبارت دیگر، کسی که اطلاعات بیشتری در انبار ذهن خود آماده دارد نگاه او به مسائل متفاوت خواهد بود و در نتیجه با سربلندی از مسائل عبور می‌کنند.

برای تقویت انگیزه دانش‌پژوهان برای رسیدن به این مرحله، در این متون بر همه و در هر حالی کسب علم به‌عنوان یک واجب تکلیف شده و ثواب الهی را به دنبال دارد (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۴). البته علم و علم‌آموزی در اسلام بر دو نوع است: اول، علم دین (خداشناسی و جهان‌بینی) که وجوب و تأکید آن بر بقیه علوم مقدم است و ضرورت آن والاتر است (مجلسی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۲۱۵ و ۲۲۳)؛ دوم، علمی که بقا و تعالی هر اجتماعی موهون آن است و به اندازه نیاز جامعه اسلامی وجوب و ضرورت دارد. توصیه به تلاش و تفکر بر علمی که به تقویت ایمان و خودشناسی منجر می‌شوند با سازوکاری متفاوت بر خلاقیت اثرگذار است؛ چراکه مذهب با تأثیر بر سبک زندگی و چگونگی حل تعارض‌های جهان‌شناختی، به دو سؤال اساسی انسان درباره هدف زندگی و معنای فعالیت‌ها و استعدادهای او پاسخ می‌دهد و بدین ترتیب، به وحدت‌یافتگی سازمان روان‌شناختی و معنوی و خودنظم‌دهی انسان کمک می‌کند (برامر<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۳). انضباط، علم‌خواهی، بی‌باکی، انعطاف‌پذیری، آرامش، اهداف روشن و انگیزش از جمله صفاتی هستند که ایمان اسلامی در شخصیت فرد تزریق می‌کنند (نهج البلاغه، خطبه همام). در صورتی که محققانی مانند پرکینز<sup>۲</sup> فیست<sup>۳</sup> سیلویا<sup>۴</sup> نیز برای افراد خلاق صفاتی در همین محدوده یافته‌اند (اگروال و باتیا، ۲۰۱۱<sup>۵</sup>).

1. Berammer L. M, Abrego P, Shostrom E.L.
2. Perkins
3. Gregory J. Feist
4. Paul J. Silvia
5. yasha aggarwal & neha Bhatia

گستراندن اطلاعات عمومی در همه تخصص‌ها در توان عادی انسان‌ها نیست و از طرفی، رهاکردن آنها نیز به این دلیل معقول نیست؛ از این رو، رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «علوم بیشتر از آن هستند که بتوان همه را جمع کرد اما از آنها بهترین را برگزین» (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۵). داشتن اطلاعات جنبی و راهکارهایی که در رشته‌های دیگر به کار می‌آیند موجب تداعی آنها برای حل خلاقانه مسئله در شکلی تراکمی اما جدید در حوزه تخصصی فرد می‌شود. به همین جهت برای نوآوری در مسائل توصیه می‌شود که علاوه بر تبحر کامل بر رشته تخصصی، فرد در رشته‌های مرتبط دست‌کم از سرخط‌های فکری و راهکارهای حل مسئله آنها مطلع باشد (فیست، ۱۹۹۸).

با این حال، اطلاعات عمومی بدون دانش تخصصی به حل خلاقانه مسائل نمی‌انجامد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام تأکید داشت فرد باید بیشترین تلاش خود را در جایگاه مناسب، یعنی در حیطه‌ای که تخصص دارد به کار گیرد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۵۴) و در جای دیگر از مدیران می‌خواهد افراد متخصص را در جایگاه شایسته‌شان به کار گیرند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ص ۲۷۶). اهل بیت علیهم‌السلام با توجه به تخصص و استعداد افراد با ایشان تعامل داشته و فراخور توان فرد از او انتظار داشتند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: صص ۲۹-۲۱) در طرف مقابل، امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: «اگر دانش تخصصی در جای خود به کار گرفته نشود، نتیجه آن عدم نیل به اهداف و زیان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ص ۲۱).

### ۳. تجربه تخصصی

حفظ و یادگیری اگرچه به‌عنوان یک معیار در ریش خلاقیت معتبر است، ذهن خلاق بدون تجربه خام بوده و ایده‌های آن دور از واقع است. داشتن تجربه و خبرگی در موضوع به این معنا است که فرد در یک موضوع مشخص، دست‌ورزی داشته و با تکرار و تمرین به اصول و قوانین مربوط به آن دست یافته باشد. در این صورت زوایای پنهان مسائل بعدی به‌واسطه این اصول فراگرفته روشن‌تر شده و ایده‌های جدید و تغییر سودمند دست‌یافتنی‌تر خواهد شد. برخی از شواهدی که تجربه را به خلاقیت پیوند می‌زنند شامل موارد زیر هستند:

- «عِنْدَ الْخَبْرَةِ تَنْكَشِفُ عُقُولُ الرَّجَالِ»: «با تجربه‌اندوژی عقل انسان‌ها شکوفا می‌شود» (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۴، ص ۳۲۲).
- «وَفِي التَّجَارِبِ عِلْمٌ مُسْتَأْنَفٌ وَفِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرِ الرَّجَالِ»: «میدان تجربه خود تولیدکننده علم است و با دگرگونی حالت‌ها جوهره انسان‌ها مشخص می‌شود»

(محمدبن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ج ۴، ص ۳۸۸).

- «الْعِلْمُ يُرْشِدُكَ وَالْعَمَلُ يَبْلُغُ بِكَ الْغَايَةَ»: «یعنی علم آموزی موجب رشد است ولی رسیدن به مقصود به واسطه تجربه به دست می آید» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۴۵).
- «لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّعَلُّمِ... وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ»: «با کلاس رفتن علم حاصل نمی شود بلکه علم با به کارگیری آن به دست می آید» (شهیدثانی، ۱۴۰۹ ق: ص ۱۴۹).

درمقابل، جایی که فرد فاقد تجربه و مهارت باشد، ایده‌ها قدرت و نفوذ کافی ندارند و در نتیجه این‌گونه اظهارنظرها را همان‌گونه که رسول‌گرامی اسلام فرموده باید در میدان عمل کنار گذاشت (طبرسی، ۱۳۷۰: ص ۴۴۲).<sup>۱</sup> در نتیجه کار و تجربه در کنار علم آموزی، موجب تقویت و رشد انسان شده و کم‌کاری و بی‌تجربگی شکست و سستی را به دنبال دارد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: صص ۱۵۸ و ۱۵۲).<sup>۲</sup>

این شواهد و غیر از اینها دلالت بر اهمیت نقش تجربه در علم‌اندوزی و نهایتاً خلاقیت دارد؛ امری که امروزه در مراکز علمی به علت هزینه‌بر بودن، خلاق نبودن یا آگاهی‌نداشتن والدین، مدیران یا مربیان، آموزش‌ها اغلب به صورت حافظه‌محور ارائه می‌شوند. برخی والدین سعی می‌کنند نتایج کار را مستقیماً در غالب توصیه یا تهدید به فرزندانشان انتقال دهند. اگر جامعه‌ای با مهارت‌اندوزی به پختگی لازم نرسد طبق فرمایش امام جواد علیه‌السلام خسارت و زیان آنها را تهدید می‌کند. ایشان می‌فرماید: «کسی که بدون پشتوانه تجربه و مهارت در امری بی‌مه‌ا اقدام کند، خودش را به‌سختی می‌اندازد و یا حتی انتظار نابودی می‌رود» (مجلسی، ۱۴۰۸ ق: ج ۷۵، ص ۳۶۴).<sup>۳</sup>

#### ۴. ایمان و انگیزش

عنصر انگیزشی در اسلام پیوند محکمی با بینش دارد، یعنی هرچه بینش در توحید الهی یکپارچگی بیشتری می‌یابد بر نفوذ و شدت انگیزش در جریان امور زندگی نیز افزوده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ص ۱۹۱). بر اساس منابع دینی آموزش علوم دینی که مسیر زندگی و رابطه فرد را با خود، خدا و محیط روشن می‌کند از مقدم‌ترین و مهم‌ترین وظایف سیستم آموزشی و والدین است (مجلسی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱، ص ۲۲۳).<sup>۴</sup> بینش و گرایش صحیح و قوی موجب می‌شود تا فرد در

۱. «يَا عَلِيُّ لَا حَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ وَلَا فِي نَظَرٍ إِلَّا مَعَ الْخَبْرَةِ».

۲. «مَنْ يَقْصُرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدُّ فِتْرَةً».

۳. «مَنْ انْقَادَ إِلَى الطَّمَانِينَةِ قَبْلَ الْخَبْرَةِ فَقَدْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلْهَلَاكَةِ وَالْعَاقِبَةُ الْمُتَعَبِيَّةُ».

۴. «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ».

تمامی مسیر زندگی همین رابطه و معرفت صحیح با خدا و جهان را محور تمامی فعالیت‌های خود قرار دهد. این حضور نزدیک خداوند در زندگی، علاوه بر ایجاد آرامش، اعتماد به نفس و سلامت روان، موجب یکپارچه‌سازی نظام شخصیتی و انگیزشی می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶)؛ از این رو، محققانی مانند ادواردز و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) و وینک و میشل<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) کندی و کانتامانی<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) و دیگران معنویت را از عوامل تقویت‌کننده ایده‌های خلاقانه سنجیده‌اند (پاول و میخائیل، ۲۰۰۸؛ کندی و کانتامانی، ۱۹۹۵). البته منظور ایشان از معنویت<sup>۴</sup> «احساس وابستگی و درهم‌تنیدگی عمیق و به‌شدت شهودی بین انسان و جهانی است که در آن زندگی می‌کند» (کاونگ، ۱۹۹۹) روشن است که برداشت این تحقیقات از معنویت با ایمان و دینداری<sup>۵</sup> که در قرآن و متون دینی شیعه از پایه‌های خلاقیت به حساب آمده بسیار متفاوت است.

در آیات زیادی از قرآن کریم ایمان و عمل صالح (تقوا) و برگشت به سوی خدا سبب‌ساز بازشدن درهای برکت،<sup>۶</sup> رحمت<sup>۷</sup> قدرت،<sup>۸</sup> راهکارها<sup>۹</sup> و اشراق<sup>۱۱</sup> بر فرد می‌شود. آیاتی که در ادامه می‌آیند از آنجاکه کلیت و اطلاق دارند، شامل دستگیری و هدایت خداوند در موضوع خلاقیت و ایده‌پروری در انسان‌های مؤمن می‌شوند:

- خداوند در سوره انفال آیه ۲۹ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا»: «ای کسانی که ایمان آرودید اگر تقوا داشته باشید (از دستورات الهی پیروی کنید و از نهی او دوری کنید) قوه و قدرت تشخیص به شما داده می‌شود».
- و در آیات ۲ و ۳ سوره طلاق می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ

قَبَادَرْتِكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْسُوَ قَلْبَكَ وَيَسْتَعْلِلَ لُبَّكَ».

1. A Edwards, N Pang, V Shiu, C Chan

2. Wink, Paul; Dillon, Michele

3. J.E. Kennedy and H. Kanthamani

4. Spirituality

5. Cavanagh

6. Religiousness

۷. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶).

۸. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (بقره: ۲۱۸).

۹. «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود: ۵۲).

۱۰. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنكبوت: ۶۹).

۱۱. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳ و ۲).

لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»: «و کسی که از خدا بترسد خدا برایش راه نجاتی از گرفتاری‌ها قرار می‌دهد و از مسیری که خود او هم احتمالش را ندهد رزقش می‌دهد و کسی که بر خدا توکل کند خدا همه‌کاره‌اش می‌شود».

• «اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمَكُمُ اللَّهُ» (بقره: ۲۸۲): «تقوای الهی داشته باشید تا خداوند به شما تعلیم دهد».

• «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ...» (ابراهیم: ۱۲): «ما را چه شود که بر خدا توکل نکنیم در حالی که هر آینه خداوند راه‌های ما را به ما نشان داده است...».

تشریح عامل انگیزه در خلاقیت از نگاه اسلام مقاله‌ای مجزا می‌طلبد با این حال، منابع اسلامی با جهت‌دادن نیروی انگیزشی به درون، اسباب کنترل را عموماً به فرد می‌سپارند. سازوکارهایی که اسلام برای درونی‌سازی انگیزه در نظر گرفته از این قرار است:

۱. امید؛ جهان‌بینی الهی به انسان مؤمن روحیه امید و خوش‌بینی به حمایت خداوند (فصلت: ۳۰) (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۶۴)<sup>۱</sup>، مؤمنین (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۱۲۶)<sup>۲</sup>، توان خود (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ص ۱۳۹)<sup>۳</sup> و همچنین، نهایت کار (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۲)<sup>۴</sup> می‌بخشد. این روحیه موجب می‌شود علاوه بر داشتن پشتوانه محکم، به فرایند کار و نتیجه آن امید زیادی داشته باشد. توکل و فانی‌نشدن تلاش‌ها حتی در صورت شکست نیز از جوانب دیگر انگیزه بر فرایند کار و ایده‌دهی را تقویت می‌کند (آل عمران: ۱۵۹) و (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۶۵۶)<sup>۵</sup>.

۲. نظارت الهی (حیا): حیا به معنی درک حضور و نظارت خداوند و اولیا است. مشاهده‌ای همه‌جانبه از جانب خالقی که دانا، توانا و مهربان است و بر بندگان خود ذره‌ای ظلم نمی‌کند، خوبی‌ها را به چندین برابر پاداش می‌دهد و حسابگری او بر کجی‌های بندگان ذره‌ای انحراف ندارد (بقره: ۱۴۳)؛ (انعام: ۱۶۰).<sup>۶</sup> باور به این نظارت و مشاهده همراه

۱. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَاؤا تَتَزَلَّ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»؛ «كَذَلِكَ الْمُرءُ الْمُسْلِمُ الْبَرِيُّ مِنَ الْخِيَانَةِ يَنْتَظِرُ مِنَ اللَّهِ الْإِحْدَى الْحُسَيْنِينَ إِمَّا دَاعِيَ اللَّهِ فَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ وَإِمَّا رُذْفَ اللَّهِ».

۲. «الرَّجُلُ السُّوءُ لَا يَظُنُّ بِأَحَدٍ خَيْرًا لِأَنَّهُ لَا يَرَاهُ إِلَّا يَوْصِفُ نَفْسَهُ، سُوءَ الظَّنِّ بِالْمُحْسِنِ شَرُّ الْإِثْمِ وَ أَقْبَحُ الظُّلْمِ».

۳. «وَلَا يَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ فِي الْأُمُورِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ يَقْدِرُ نَفْسَهُ بِكُونَ يَقْدِرُ غَيْرَهُ أَجْهَلُ».

۴. «أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي؛ إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا، وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا».

۵. «و شَاوَرُهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَ تَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ وَ تَبَيَّأَ الْخَفْضَ وَ الْكِرَامَةَ».

۶. «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُفٌ رَحِيمٌ»؛ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ».

با صفات شخصیتی انسان مؤمن، موجب می‌شود تا او توان خود را برای بهتر بودن و به‌نحو احسن انجام‌دادن امور به‌کار بندد.

۳. باور به جهان آخرت و معاد: انسان را از انحرافات و سستی باز می‌دارد، کسی که به آخرت و حساب دقیق اعمال ایمان دارد تلاش‌های خود را محفوظ می‌داند اگرچه دیگران با مقیاس‌های بیرونی خود شخصیت او و آفریده‌هایش را کم‌ارزش تلقی کنند، اما او با ایمان به محفوظ‌بودن پاداش تلاش‌هایش چه به نتیجه مطلوب برسد و یا بازماند از رضایت درونی بهره‌مند خواهد شد.

علاوه بر این موارد، برنامه‌هایی نیز برای تقویت خودکنترلی در اسلام دیده شده است. مانند تزریق احساس ارزش و کرامت، خودشناسی، هدفمندی، تقویت بنیه علوم دینی، عبادت، نقش تذکری قرآن، توجه به سیره معصومین علیهم‌السلام و غیره.

## ۵. تلاش

به‌دست‌آوردن اطلاعات عمومی و تخصصی فراوان و همچنین، تجربه‌ای که برای ایده‌های خلاقانه به‌کار آید نیازمند تلاش و همت فراوان است. اهمیتی که منابع دینی به تلاش و پشتکار در رسیدن به موفقیت و ایده‌های نو می‌دهند، مؤلفه تلاش را در جای‌جای فرایند خلاقانه وارد می‌کند؛ یعنی طبق الگوی اسلامی خلاقیت، رشد خلاقیت نیازمند این است که روحیه جهادی در علم‌آموزی، دست‌ورزی و تجربه، آزمودن راهبردهای تفکر، ایجاد انگیزه برای حل خلاقانه مسئله و همچنین، روحیه تلاش و کار جدی در محیط پرورش‌دهنده خلاقیت شکل گرفته باشد تا الگویی برای دیگران باشد.

خداوند در آیه ۶۹ سوره عنکبوت می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»: «کسانی که در راه ما مجاهده می‌کنند ما به‌سوی راه‌های خود هدایتشان می‌کنیم و خدا همواره با نیکوکاران است. از این آیه و روایاتی که در ادامه می‌آید برداشت می‌شود که ایده‌ها و محصولات خلاقانه در بافت تلاش و پشتکار رشد چشمگیری پیدا می‌کنند. همچنین، این آیه به چند نکته مهم اشاره دارد:

اول، این آیه بر همراهی دائمی تلاش با راهیابی دلالت دارد. به این معنی که خداوند در این آیه تضمین می‌کند هر که در مسیرش تلاش کند ذهن ایده‌پرور و بازی خواهد داشت، راهیابی و خروج از بن‌بست نتیجه‌ای است که در خلاقیت به‌دنبال آن هستیم.

دوم، واژه «سُبُل» نشان‌دهنده تنوع این راهکارها است و می‌رساند که فرد مؤمن اگر در زندگی



خود در مسیر الهی قدم بردارد و سرزندگی و تلاش برنامه‌همیشگی او باشد، در مسائل پیش روی خود راهکارهای متنوعی دارد.

سوم، از عبارت پایانی آیه و نسبت دادن هدایت به خداوند در متن آیه به دست می‌آید که انسان مؤمن علاوه بر داشتن ابتکار از پشتوانه و حمایت الهی نیز بهره‌مند است و همین امر موجب می‌شود تا در شرایط استرس‌زا از آرامش مطلوب که برای خلاقیت به آن نیازمند است بهره‌مند باشد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بیانی می‌فرماید: «مَنْ بَدَّلَ جُهْدَ طَاقَتِهِ بَلَّغَ كُنْهَ إِرَادَتِهِ»: «کسی که نهایت تلاش خود را در موضوعی به کار گیرد به نهایت چیزی که از آن آرزو دارد خواهد رسید» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۶۳۸). حضرت در این کلام بر راهگشا بودن تلاش اشاره می‌کنند. در تلاش نیز روایات از جوانان می‌خواهند که تلاش خود را هدایت‌شده به کار گیرند و از بذل همت و تلاش در جایی که در گذشته در آن تلاش فکری و عملی انجام نداده‌اند پرهیز کنند. همان حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «هَمَّتْ خُودَ رَا صِرْفَ چِيزِهَايِي كُنْ كِهْ بَهْ اَن نِيَاز دَارِي وَ اَنچِهْ رَا بَهْ كَارْتِ نَمِي آيِدِ پِيگيري مَكْن»<sup>۱</sup> (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۱۸۲).

در متون روایی به چگونگی تلاش نیز اشاره شده است. دستیابی به تجربه و تلاش باید مستقیم از طرف متربی و زیر نظر و هدایت مربی باشد. به این معنا که متربی باید به سختی و همراه با تفکر، مهارتی را بیاموزد. معمولاً آموزش تفکر محور به جای استاد محور برای متربیان سخت‌تر است، این نحوه آموزش نیاز دارد تا مربی و شاگرد هر دو نسبت به شیوه قبلی فعالیت بیشتری داشته باشند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «فَضَائِلُ نَهْفَتَةِ اِنْسَانٍ دَرِ سَخْتِي هَا خُودَ رَا نِشَانِ مِي دِهْد» (همان: ص ۱۰۰)<sup>۲</sup> و در جای دیگر می‌فرماید: «بَا سَخْتِي اِسْتِ اَن سَانِ بَهْ دَرَجَاتِ بَالَا مِي رَسْد» (همان: ص ۹۹)<sup>۳</sup> و به عنوان یک قاعده پذیرفته شده بیان می‌فرماید که ایده‌هایی که افراد می‌دهند نیز به پشتوانه تجربه ایشان باز می‌گردد؛ به این معنی که پیش‌بینی ارائه ایده‌های مبتکرانه از افراد پخته و باتجربه نسبت به آنها که تجربه‌ای در آن موضوع ندارند بیشتر است (همان: ص ۳۸۸)<sup>۴</sup>.

## نتیجه‌گیری

چنانچه گذشت، هر سه الگوی خلاقیت، با تفاوت‌هایی بر نقش انگیزه، تفکر خلاق، پایه اطلاعات

۱. «اَقْصِرْ هِمَّتَكَ عَلَي مَا يَلْزَمُكَ وَلَا تَخْضُ فِيْمَا لَا يَغْنِيكَ».

۲. «عِنْدَ تَعَاْفِ السَّدَائِدِ تَطْهَرُ فَصَائِلُ الْاِنْسَانِ».

۳. «بِالتَّعَبِ الشَّدِيدِ تَذْرُكُ الدَّرَجَاتِ الرَّفِيعَةَ وَ الرَّاحَةَ الدَّائِمَةَ».

۴. «رَأَى الرَّجُلَ عَلَي قَدْرِ تَجْرِبَتِهِ».

و مهارت‌های تخصصی در هر خلاقیتی تأکید می‌کنند. این اجزا در الگوهای سیکزنت میهالی (۱۹۹۴) استرنبرگ و لوبارت (۱۹۹۶) نیز اشاره شده است. با این حال، الگوی ارین نسبت به آمابیل، نگاهی جزئی‌تر بر خلاقیت دارد. ارین (۲۰۰۳) تفکر خلاق را تفکر و اگر می‌داند و علاوه بر تفکر، واگرایی در رفتار را در اجزای خلاقیت وارد می‌داند، عنصری که در الگوی سیکزنت میهالی و استرنبرگ با «مهارت‌های تفکر» شناخته می‌شود. همچنین، ارین (۱۹۹۱) در پایه اطلاعات و اطلاعات تخصصی علاوه بر داشتن این اطلاعات، داشتن مهارت‌های عملی این اطلاعات را در فرایند خلاقیت دخیل می‌داند، مطلبی که آمابیل (۱۹۹۷) با عنوان «مهارت» از آن یاد کرده است. با توجه به منابع اسلامی کلیدواژگانی که رساننده معنای خلاقیت هستند این معنا دست‌کم در مشتقات «حول و فطن» بهتر برداشت می‌شود. اگرچه دیگر کلیدواژگان به‌منظور دستیابی به خلاقیت در الگوی خلاقیت کاربرد دارند. در نتیجه منابع اسلامی به خلاقیت و مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن توجه ویژه داشته است، چراکه با تحقق عوامل بنیادی، خلاقیت حفظ شده و رشد می‌یابد (علی‌گلی و ساجدی، ۱۳۹۴). الگوی به‌دست‌آمده از اسلام شامل مؤلفه‌های زیر است:

چهار عنصر پایه اطلاعات عمومی و تخصصی، تفکر در موضوع همراه با مهارت‌های آن و همچنین، تجربه تخصصی، با وجود تفاوت‌هایی همسو با مطالعات ارین (۲۰۰۳) سیکزنت میهالی (۱۹۹۴) استرنبرگ و لوبارت (۱۹۹۶) و آمابیل (۱۹۹۷) هستند. با این حال، تلاش زیاد و همچنین ایمان و انگیزه تأثیر پذیرفته از ایمان در الگوی به‌دست‌آمده از اسلام، مؤلفه‌هایی هستند که مخصوص منابع اسلامی هستند. ایمان راستین به جهت خلق شخصیت و محیط بارورکننده خلاقیت تأثیری مستقیم بر این ویژگی انسانی آینده‌ساز دارد (سروگلو و همکاران، ۲۰۰۸؛ وینک و میشل، ۲۰۰۸) با توجه به همانندی انگیزه با ایمان در این الگو انگیزه در کنار ایمان قرار گرفته است و در اسلام به انگیزه درونی نسبت به انگیزه بیرونی توجه بیشتری شده است. البته باید توجه داشت که این به معنای زیرمجموعه‌بودن انگیزه در ایمان نیست.

با توجه به الگوهای تعریف‌شده شرط دستیابی به خلاقیت‌های بدیع‌تر و فراوان‌تر جمع کردن هرچه بیشتر این عناصر در متریان یا کارمندان سازمان است. البته از آنجاکه این مؤلفه‌ها بنیادین هستند کاربردی‌سازی آنها در سنین پایین اولویت بیشتری پیدا می‌کنند. پژوهش حاضر به جهت ارائه بسته کاملی از عناصر الگوی خلاقیت، آزادی لازم برای توضیح بیشتر عناصر و بیان کاربردهای عملی آنها را نداشته است. در نتیجه الگوها به صورت خلاصه ارائه شدند. پیشنهاد می‌شود اثربخشی ارائه این الگو بر خلاقیت کودکان به صورت آزمایشی بررسی شود. همچنین، در پژوهش‌های کتابخانه‌ای پیش‌رو برخی از این مؤلفه‌ها و جنبه کاربردی آنها را به صورت مفصل مطرح کردند.

## کتابنامه

- صحیفه سجادیه.
- ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق شرح نهج البلاغه، نشر کتابخانه مرعشی نجفی، قم.
- ابن اثیر، جزری. ۱۳۶۷. النهایة فی غریب الحدیث. قم. نشر اسماعیلیان.
- ابن شعبه، حرانی. ۱۳۶۳. تحف العقول. تصحیح علی غفاری. قم. نشر جامعه مدرسین قم.
- ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ق. معجم مقاییس اللغه. قم. نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق. لسان العرب. محقق میردامادی. بیروت. نشر دارالفکر.
- اژه‌ای، جواد. ۱۳۸۳. ویژگی‌های شخصیتی تیزهوشان در پژوهش‌های روان‌شناختی ایران. تهران. نشر سمپاد.
- افروز، غلامعلی. ۱۳۷۸. روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان. بی‌جا. چاپ هشتم. نشر انجمن اولیا و مربیان. تهران.
- برنجکار، رضا. ۱۳۷۴. «مفهوم حکمت در قرآن و حدیث». صحیفه مبین. شماره ۳.
- بیابانگرد، اسماعیل. ۱۳۸۴. روان‌شناسی تربیتی (روش‌های آموزش و یادگیری). تهران. نشر ویرایش.
- پارسا، محمد. ۱۳۷۴. روان‌شناسی تربیتی. تهران. نشر علمی.
- تقوی، مصطفی. ۱۳۸۷. «درآمدی مبنایی و راهبردی بر الگوی اسلامی-ایرانی توسعه علم و فناوری». مجله حوزه و دانشگاه. شماره ۵۶.
- تمیمی آمدی، عبدالوہاب، بن محمد. ۱۳۶۶. غررالحکم و درر الکلم. قم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- تورنس، ٹی پال. ۱۹۷۹. استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آموزش و پرورش آن. ترجمه حسن قاسم زاده. تهران. نشر دنیای نو.
- جان‌بزرگی، مسعود. ۱۳۸۶. «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان». مجله پژوهش در پزشکی. دوره ۳۱. شماره ۴.
- حائری زاده خیریه، بیگم. ۱۳۸۱. تفکر خلاق و حل‌خلاقانه مسئله. تهران. نشر نی.
- حسینی، افضل‌السادات. ۱۳۷۸. ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد، به‌نشر خلیل بن احمد، فراهیدی. ۱۴۰۹ق. العین. قم. نشر هجرت.
- خویی. میرزا حبیب‌الله، ۱۴۰۰ق. منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. محقق ابراهیم میانجی. تهران. مکتبه الاسلامیه.
- خوانساری، جمال‌الدین، ۱۳۶۶. شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم، تحقیق حسینی ارموی، چاپ چهارم، ۷ جلد، نشر دانشگاه تهران، تهران.
- دلاور، علی، ۱۳۸۰. مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران. نشر رشد.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۳. لغت نامه دهخدا. تهران. نشر دانشگاه تهران.
- ری‌شهری محمدی، محمد. ۱۳۷۱. میزان الحکمه. قم. نشر اعلام اسلامی.
- ری‌شهری، محمد، نجکار و مسعودی، ۱۳۷۸. خردگرایی در قرآن و حدیث. نشر دارالحدیث. قم.
- سجادی، سیدعلی. ۱۳۸۵. «خودکنترلی در نظام کنترل و نظارت اسلامی». معارف اسلامی و حقوق. شماره ۲۳.
- سرمد، زهره. بازرگان عباس. حجازی الهه. ۱۳۸۵. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران. انتشارات آگه.
- سلیمانی، افشین. ۱۳۸۱. کلاس خلاقیت. تهران. انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

- سیدرضی. ۱۴۰۷ق. نهج البلاغه. قم. انتشارات دار الهجره.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۴ق. الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم. انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شعاری نژاد، علی اکبر. ۱۳۸۰. نگاهی نو به روان‌شناسی آموختن یا روان‌شناسی تغییر رفتار. تهران. نشر چاپخش.
- شهید ثانی. ۱۴۰۹ق. منیه المرید. قم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- شریعتمداری، مهدی. ۱۳۸۸. تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری، تهران، نشر کوهسار.
- شهرآری سیدان، فرزاد، «تحلیل خلاقیت در کودکان: معرفی آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت»، فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۶۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
- شیخ حر عاملی. ۱۴۰۹ق. وسائل الشیعة. قم. مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- شیخ صدوق. ۱۴۱۳ق. من لا یحضره الفقیه. قم. انتشارات جامعه مدرسین قم.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۶۲ش. الأمالی. تهران. نشر دارالکتب الإسلامیه.
- صمدآقائی، جلیل. ۱۳۸۰. تکنیک‌های فردی و گروهی خلاقیت. تهران. نشر آموزش مدیریت دولتی.
- طباطبائی، محمد حسین. ۱۳۷۴. المیزان. ترجمه موسوی همدانی. قم. نشر جامعه مدرسین قم. چاپ پنجم.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۸. نهاية الحکمه. تصحیح فیاضی غلامرضا. قم. نشر مؤسسه امام خمینی (ره).
- طبرسی، رضی الدین، حسن بن فضل. ۱۴۱۲ق. مکارم الأخلاق. قم. انتشارات شریف رضی.
- طبرسی، حسن بن محمد. ۱۳۷۰. مکارم الأخلاق. قم. نشر شریف رضی. چاپ چهارم.
- طوسی، محمدبن حسن. ۱۴۱۴ق. الامالی. قم. نشر دارالثقافه.
- علی‌گلی، جعفر؛ ساجدی، ابوالفضل. ۱۳۹۴. رشد خلاقیت و شاخص‌های آن در اسلام و روان‌شناسی. قم. نشر مؤسسه امام خمینی (ره).
- قاسمی، فرشید؛ اقلیدس، طاهره. ۱۳۸۴. «بررسی تأثیر آموزش درس "پرورش خلاقیت در کودکان" بر افزایش خلاقیت دانش آموزان دختر سال سوم کودکیاری». مجله نوآوری‌های آموزشی. شماره ۱۳.
- قراملکی، احد. ۱۳۸۳. اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی. نشر حوزه علمیه، قم.
- کفایت، محمد. ۱۳۷۳. «بررسی شیوه‌های فرزندپروی با خلاقیت و ...» پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز. سایت [www.irandoc.com](http://www.irandoc.com).
- کلینی. ۱۳۶۵. الکافی. تهران. نشر دارالکتب الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۵. اصول کافی. ترجمه کمره‌ای. قم. انتشارات اسوه. چاپ سوم.
- گای آر، لفرانسوا، ۱۳۸۰، روان‌شناسی برای معلمان، ترجمه‌ی فرجامی هادی. مشهد. نشر به‌نشر.
- لیثی واسطی. ۱۳۷۶. عیون الحکم والمواعظ. محقق حسنی بیرجندی. قم. نشر دارالحدیث.
- مجلسی. ۱۴۰۴ق. بحار الأنوار. لبنان. نشر مؤسسة الوفاء بیروت.
- محدث نوری. ۱۴۰۸. مستدرک الوسائل. قم. نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- محمدبن بابویه. ۱۴۱۳ق. من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۴ق. مرآة العقول. محقق محلاتی. تهران. نشر دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی. محمدتقی. ۱۴۰۳ق. بحار الأنوار. دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۱۰ جلد، بیروت، لبنان.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۳. به سوی او. قم. انتشارات مؤسسه امام خمینی ره.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۶۸. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران. نشر سازمان ارشاد.

- معین، محمد. ۱۳۶۲. فرهنگ معین. تهران. نشر امیرکبیر. چاپ پنجم.
- نورعلی‌زاده، مسعود. ۱۳۹۰. «رابطه‌ی خداآگاهی با خودآگاهی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه امام خمینی. قم.
- نوری، ۱۴۰۸ق. مستدرک الوسائل. قم. نشر آل‌البیت.
- ورام بن ابی فراس. ۱۳۶۹. مجموعه‌ی ورام. تهران. دارالکتب‌الاسلامیه.
- Adams, Karlyn, 2005. **The Sources of Innovation and Creativity**. National Center on Education and the Economy.
- Amabile Teresa, **Creativity & Innovation in Organizations**, Harvard Business school, 1996 January.
- \_\_\_\_\_, 1997. **Creativity & Innovation in Organizations**. Harvard Business School.
- \_\_\_\_\_, 1997. **Motivating Creativity in organism, California Management review**. VOL 4. NO1.
- \_\_\_\_\_. 1983. "The social psychology of creativity: A componential conceptualization". Journal of Personality and Social Psychology. Vol 45(2). P 357-376.
- Berammer L .M, Abrego P, Shostrom E.L. 1993. **Therapeutic counseling and psychotherapy**. 6th edition. Prentice Hall,.
- Brown, R. T. 1989. **Creativity: What are we to measure?** In J. A. Glover, R. R. Ronning & C. R. Reynolds (Eds.). Handbook of creativity. P.3-32. New York: Plenum Press.
- \_\_\_\_\_. 1989. **Creativity: what we are to measure?** In Torrance, E. P., Glover, J.A., Ronning, R.R. and Reynolds, C.R. (Eds.) (1989). Handbook of creativity. Perspectives on individual differences (p. 3-32). New York; London: Plenum.
- Cavanagh G, 1999. "Spirituality for managers: context & critique". Journal of organizational change management. 12(3). p 186-199.
- Chan Kuo, 2011. "Toward a Synthesis Framework for the Study of Creativity in Education: An Initial Attempt". Educate. Vol 11. No1. p. 65-75.
- Chan Kuo, Hsu, 2011. "Critical Review toward a Synthesis Framework for the Study of Creativity in Education: An Initial Attempt". Educate Journal. Vol 11. No 1.
- Csikszentmihalyi Mihaly, Feldman. David Henry, Howard Gardner. 1994. **Changing the world: a framework for the study of creativity**. Praeger.

- Csikszentmihalyi, M. 1999. **Implications of a systems perspective for the study of creativity.** In R. J. Sternberg (Ed.). Handbook of creativity. Cambridge: Cambridge University press. p 313-335
- Edwards A., N. Pang, V. Shiu and C. Chan, 2010. “**Review: The understanding of spirituality and the potential role of spiritual care in end-of-life and palliative care: a meta-study of qualitative research**”. Palliat Med 24: p 753.
- Ferrari Anusca, Romina Cachia and Yves Punie, 2009. **Innovation and Creativity in Education and Training in the EU Member States: Fostering Creative Learning and Supporting Innovative Teaching Literature review on Innovation and Creativity in E&T in the EU Member States (ICEAC), Technical Note: JRC 52374.**
- Feist. Gregory J. 1998. “**A meta-analysis of personality in scientific and artistic creativity**”, personality and social psychology review perssocpsychol rev , vol. 2, no. 4, pp. 290 309,.
- Ginsburg, Golda S. Bronstein Phyllis, 2008. “**Family Factors Related to Children’s Intrinsic/Extrinsic Motivational Orientation and Academic Performance**”. Child Development. 64(5). p1461 – 1474.
- Gruber, H.E. 1988. “**The Evolving System Approach to Creative Work. Creativity**”. Research Journal. VI. p 27-51.
- Hayes, J. R. 1989. **Cognitive processes in creativity.** In J. A. Glover, R. R. Ronning & C. R. Reynolds (Eds.), Handbook of creativity (pp. 135-145). New York: Plenum Press.
- Kennedy J.E. and H. Kanthamani, 1995. “**Association between Anomalous Experience and Artistic Creativity and Spirituality**”. The Journal of the American Society for Psychical Research. Volume 89. p 333-343.
- Karlyn Adams, 2006. **The Sources of Innovation and Creativity.** National Center on Education and the Economy.
- Mayer, R. E. 1999. “**Fifty years of Creativity Research**”. In R.J. Sternberg (ed.) Handbook of Creativity, p. 449-460. London: Cambridge University Press.
- Pike Robert W, 2002. **Creative Training Techniques Handbook Third Edition.** HRD Press Inc, Amherst, Massachusetts.
- Politis, J. D. 2004. “**Transformational and Transactional Leadership Predictors of the ‘Stimulant’ Determinants to Creativity in Organizational Work Environments the Electronic**”. Journal of Knowledge

- Management Volume 2 Issue 2. p 23-34,
- Root-Bernstein, R. & Root-Bernstein, M. 1999. **Sparks of Genius: The Thirteen Thinking Tools of the World's Most Creative People**. Houghton Mifflin: New York.
  - Sarogloua Vassilis, Coralie Buxanta & Jonathan Tilquina. 2008. "**Positive emotions as leading to religion and spirituality**". The Journal of Positive Psychology. Volume 3. Issue 3.
  - Spooner. Marc, 2004. "**Generating integration and complex understanding: exploring the use of creative thinking tools within interdisciplinary studies**". Issues in integrative studies. vol 22.
  - Sternberg, R. J. and Lubart, T. I. 1991. "**An investment theory of creativity and its development**". Human Development, 34, 1-32.
  - Sternberg, R. J., & Lubart, T. I. 1996. "**Investing in creativity**". American Psychologist, 51(7). p 677-688.
  - Sternberg, Robert & Todd Lubart. 1991. "**An Investment Theory of Creativity and its Development**". Human Development. V34. p 1-32.
  - Sternberg, Robert J, 1999. **Handbook of Creativity**. Cambridge CB2 2ru uk.
  - Sternberg, R. J., & Lubart, T. I. (1995). **Defying the crowd**. New York: Free Press.
  - Tanawat hirunyawipada. 2007. **How componential factors and constraint enhance creativity in .the development of new product ideas, dissertation prepared for the degree of doctor of philosophy**. University of north texas.
  - Thomas B. Ward. 2006. **Creativity - A Handbook for Teachers**. World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.
  - Urban, K.K. 1991. "**On the development of creativity in children**". Creativity Research Journal. 4 (2). P 177-191.
  - \_\_\_\_\_, 2001 "**The international handbook of giftedness and talent**". Authors:K. A. Heller, F. J. Mönks, R. SubotnikRobert J. Ste,USA, Pergamon, p 490.
  - \_\_\_\_\_ 2003. **Assessing Creativity: A Componential Model. Creativity: A Handbook for Teachers**. AI - Girl TANT. Singapore Scientific Publishing.
  - \_\_\_\_\_ 2011 [http://klaus.urban.phil.uni-hannover.de/imperia/md/content/de/unihannover/phil/klaus\\_urban/](http://klaus.urban.phil.uni-hannover.de/imperia/md/content/de/unihannover/phil/klaus_urban/)

- Ward, Thomas B. 2007. “**Creative cognition as a window on creativity, Department of Psychology**”. Methods. 42. p28–37.
- Weisberg, R. W. 1999. **Creativity and knowledge: A challenge to theories**. In R. J. Sternberg (Ed.), Handbook of creativity. P 226-250. Cambridge: Cambridge University press.
- Wink, Paul; Dillon, Michele, 2008. “**Religiousness, spirituality, and psychosocial functioning in late adulthood**”. Psychology of Religion and Spirituality. Vol S, 1. P 102-115.
- Yasha aggarwal & neha bhatia, 2011. “**Creativity and innovation in management**”. International Journal of Multidisciplinary Research. Vol.1 Issue 5. ISSN 2231 5780.

